

تجلی عدالت در سنتهای الهی و اجتماعی قرآن

قدرت‌الله قربانی¹

چکیده

هدف: هدف این تحقیق، تبیین جایگاه عدالت در سنتهای الهی جاری در زندگی فردی و اجتماعی انسان بود. **روش:** روش تحقیق، بررسی جایگاه عدالت در نظام هستی و مطالعه آیاتی است که مبین سنتهای عدالت‌محور الهی‌اند. **یافته‌ها:** در خدای کامل مطلق، هیچ نشانی از نقص و ظلم وجود ندارد و در نسبت او با جهان و انسان نیز اصل عدالت حاکم است. این مهم در قرآن به عنوان مبنای سنتهای الهی و اجتماعی قرار می‌گیرد که آن سنتها بیان‌کننده اصول کلی عادلانه حاکم بر رفتار فردی و اجتماعی انسان و نتایج عادلانه ناشی از آنهاست. در این زمینه، سنتهایی چون: اختیار، برگشت بدی‌های انسان به خودش، پیروزی نهایی حق و نابودی باطل، وراثت زمین توسط بندگان صالح خدا، سنت مجازات، مهلت دادن به گناهکاران، پیوند پیروزی و پیروی و نظایر آنها مورد توجه‌اند، که جریان همیشگی اصول ثابت الهی را نشان می‌دهند؛ مهم‌تر از آن اینکه، آنها بیان‌کننده عادلانه بودن جریان زندگی انسان‌اند. **نتیجه‌گیری:** جریان عادلانه حاکم بر کلیت نظام هستی این پیام حکیمانه را برای ما دارد که خیرات و شرور جهان را با نگاه عاقلانه بررسی کنیم و ضمن اعتقاد به عدالت الهی نسبت به انسانها، مشکلات و مصائب آنها را به طور عقلانی فهمیده، از مواجهه با آنها نهراسیم.

واژگان کلیدی: قرآن، سنت، عدالت، خدا، جهان‌شمولی، ثابت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دریافت مقاله: 96/01/20؛ تصویب نهایی 96/09/10.

1. دکتری تخصصی فلسفه و دانشیار گروه فلسفه دانشگاه خوارزمی / نشانی: تهران؛ خیابان مفتح، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فلسفه / شماره: 88329220 / Email: qorbani48@gmail.com

الف) مقدمه

آنچه از آیات قرآن مشخص می‌شود، معرفی این کتاب الهی به عنوان کتاب هدایت انسانها به سعادت دنیوی و اخروی است. از مهم‌ترین آموزه‌ها و دستورات قرآن در این زمینه، سنتهای الهی است که در آیات متعدد این کتاب الهی ابعاد گوناگون آنها معرفی شده‌اند. ویژگی دقیق این سنتها، الهی و اجتماعی بودن آنهاست که اهمیت‌شان را در زندگی انسان، برای مدیریت مطلوب زندگی نشان می‌دهد. نکته مهم تر اینکه، اگرچه این سنتهای الهی و اجتماعی ابعاد گوناگون قانون‌مندی‌های حاکم بر زندگی انسان را بازگو می‌کنند، اما یک اصل بنیادی، مقوم همه آنهاست و آن عدالت است؛ یعنی مهم‌ترین ویژگی سنتهای الهی و اجتماعی قرآن که بیانگر قانونهای حاکم بر زندگی انسان‌اند، این است که همه آنها مبتنی بر عدل و عدالت، چنین قانون‌مندی‌هایی را بیان می‌کنند و نیز آشکار می‌کنند که هم عدل مبنای این قانونهاست و هم خود این قانونها تجلی‌های گوناگون عدالت الهی در زوایای مختلف زندگی اجتماعی انسان‌اند. همچنین گفتنی است که توجه به نقش مبنایی عدالت در قانون‌مندی‌ها و سنتهای الهی و اجتماعی، محققان علوم اجتماعی را در کشف قوانین جهان‌شمول، کلی، ثابت و لایتغیر حاکم بر زندگی انسان کمک خواهد کرد که مهم‌ترین آنها به طور عام، چگونگی جریان عدالت الهی در نظام هستی و به ویژه زندگی اجتماعی انسان و به طور خاص، فهم عادلانه بودن همه سنتهای الهی و اجتماعی است. ضمن اینکه فهم اصل عدالت‌محوری سنتهای الهی، انسان خداپاور را در فهم فلسفه شرور مابعدالطبیعی، طبیعی و اخلاقی و ایمان به نظام حکیمانه الهی بسیار کمک خواهد کرد.

در این تحقیق تلاش می‌شود نقش محوری عدالت به عنوان مبنای سنتهای الهی و اجتماعی، از منظر قرآن تبیین شود و سپس در برخی از این سنتها نیز جریان آن نشان داده شود. در واقع؛ پرسش تحقیق این است که عدالت چه نقشی در کلیت نظام هستی به طور عام و در سنتها و قانون‌مندی‌های الهی و اجتماعی به طور خاص دارد. برای این منظور، ابتدا عدالت در افعال الهی و کلیت نظام هستی، سپس در برخی از مهم‌ترین سنتهای اجتماعی و الهی بررسی خواهد شد. در پایان، به نقش سنتهای الهی عدالت‌محور در فهم فلسفه شرور و حکیمانه بودن نظام خلقت تأکید خواهد شد.

ب) عدالت در افعال الهی و نظام هستی

مطابق معرفی خداوند در قرآن (از جمله: حشر: 24-23)، او موجودی کامل، بی‌نیاز، نامتناهی، خیرخواه مطلق، عالم مطلق و قادر مطلق است که هیچ محدودیت و نقصی در او نیست (جوادی آملی، 1391: 249-245). پس منطقی است که خداوند عین حق و راستی و عدالت باشد و افعالی که از او صادر می‌شود نیز حکیمانه، عادلانه و مطابق با حق باشند. پس عدل از مهم‌ترین صفات ذاتی و نیز فعلی الهی است. در این زمینه آیه «وَوَكَّمْتُ كَلِمَاتُ

77 ♦ تجلی عدالت در سنت‌های الهی و اجتماعی قرآن

رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا» (انعام: 115) و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: 90) بر این امر تأکید دارند که اصل عدل، حاکم بر افعال و مناسبات خدا با انسان است و خدا هیچ‌گاه به کسی ظلم نمی‌کند. برخی آیات نیز به طور کلی امکان انجام هر گونه رفتار ظالمانه را از خدا نفی می‌کنند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا» (یونس: 44)؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» (نساء: 40). این آیات همچنین حکیمانه بودن کل نظام خلقت و هدفمندی آن را هم نشان می‌دهند؛ همان‌طور که خداوند می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا» (ص: 27)، (ر.ک: جوادی آملی، 1391: 390-391)

نکته مهمی که از این آیات به دست می‌آید این است که ذات نامتناهی خدا از هر گونه ظلم مبرا است؛ زیرا ظلم نشانه نقص و کمبود است و اگر خدا مرتکب ظلم شود، دیگر نمی‌توان او را کامل مطلق و نامتناهی در نظر گرفت. حال که ذات الهی از هر گونه ظلم و نقص مبرا است، نتیجه می‌گیریم که هر چه او می‌کند، که در زندگی اجتماعی انسان و جهان هستی متجلی می‌شود، عین حق و مطابق با عدل است و همه افعال و آثار الهی نشان از عدالت او دارند. اگرچه ممکن است برخی از آنها به ظاهر برای ما ظالمانه به نظر برسند، اما با لحاظ اینکه خدا مرتکب فعل ظالمانه نمی‌شود و با توجه به فلسفه خلقت انسان، این پندار اصلاح‌شدنی است. (سبحانی، 1376: 79-77)

از مهم‌ترین نشانه‌های عدالت خدا، نظام عادلانه و احسن جهان هستی است؛ یعنی مجموعه جهان مادی و غیر مادی، نظامی را تشکیل می‌دهند که مبتنی بر قسط و عدل ایجاد شده و در جریان است. در این زمینه برخی از آیات قرآن به آفرینش عادلانه و به حق زمین و آسمان و موجودات میان آنها و نحوه جریان امور آنها اشاره دارند؛ از جمله: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» (رحمن: 7)؛ «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ» (نبا: 3)؛ «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَإِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: 18). آیه اول بر اینکه خداوند برافرازنده آسمان و برقرار کننده قانون محاسبه و سنجش عادلانه امور جهان است، دلالت دارد. آیه دوم بر اینکه آفرینش آسمانها و زمین بر اساس حقیقت و از روی برنامه الهی و هدفمندی افعال الهی است، اشاره دارد. آیه سوم نیز تأکید دارد که خداوند تنها برپادارنده قسط و عدالت در جهان است و جهان را به صورت تکوینی و تشریحی با عدالت تمام و کامل خود رهبری می‌کند. منظور از هدایت تکوینی آن است که خداوند ضمن آفرینش موجودات جهان، به طور طبیعی آنچه از کمالات که شایسته آن بودند، به آنها داده و مسیر هدایتشان را تعیین کرده است. (جوادی آملی، 1389: 194-193)

نتیجه اینکه، پذیرش اصل عدالت الهی در افعال خدا، مستلزم پذیرش عادلانه بودن افعال الهی در همه موارد و از جمله در ساختار جهان هستی است؛ یعنی هم خلقت کل جهان و هم نحوه کار اجزای آن، نشان از نظامی کاملاً عادلانه دارد که به واسطه غایتمندی آن، به سوی هدف الهی مشخصی در حرکت است. پس اگر برخی از پدیده‌های جهان هستی، مانند سیل، زلزله و آتشفشان که به ظاهر برای ما ناگوار و شرآمیز

و نشان از بی‌عدالتی خداست، با دید درست قرآنی، فلسفه ظهور و ایجاد آنها آشکار می‌شود؛ مبتنی بر اینکه آنها مطابق نظام عادلانه الهی جریان یافته‌اند. (مطهری، 1372: 46-49)

ج) ویژگی‌های کلی سنت‌های الهی و اجتماعی

از عادلانه بودن افعال الهی، به ویژه درباره کَلِیت جهان هستی، به طور طبیعی نتیجه می‌شود که زندگی اجتماعی انسان که بخشی از نظام هستی را در بر می‌گیرد، بایستی بر اساس عدل الهی بنا شده و جریان داشته باشد. در این مقاله، تجلی عدالت محوری الهی در زندگی انسان در قالب سنت‌های اجتماعی بررسی می‌شود. لذا ابتدا ویژگی‌های کلی سنت‌های الهی - اجتماعی بررسی می‌شود.

از ویژگی‌های برجسته قرآن، معرفی قانون‌مندی‌های کلی و جهان‌شمول و تغییرناپذیر الهی در باب زندگی اجتماعی انسان است که سنت‌های الهی نامیده می‌شوند. سنت‌های الهی بخشی از تدبیر و سازماندهی خداوند را در بر می‌گیرند که استمرار دارند و رویه و روش غیر قابل تبدیل و تحویل خداوندند. سنت در این معنای وسیع، شامل تمام موجودات از جمله انسان و زندگی فردی و اجتماعی اوست (حامد مقدم، 1387: 14-13). به عبارت دیگر؛ سنت‌های الهی ویژگی‌های کلی حاکم بر زندگی اجتماعی انسانها را معرفی می‌کنند و بنابر این، بهترین ابزار تشخیص راه هدایت از گمراهی‌اند و عمل به آنها منجر به سعادت دنیوی و اخروی می‌شود. پس سنت‌های الهی و اجتماعی قرآن از مهم‌ترین نشانه‌های حاکمیت اصل عدالت و لطف در افعال الهی نسبت به بندگانشند. در برخی آیات قرآن به چند ویژگی مهم و کلی این سنت‌ها به شرح ذیل اشاره شده است.

کَلِیت و عمومیت: به این معنی که سنت‌های الهی بیانگر روابطی اتفاقی و کورکورانه نیستند و در نتیجه، وضعی ثابت و غیر قابل تخلف دارند. قرآن کریم با پافشاری فراوان روی این قوانین و کَلِیت و عمومیت آنها، اساساً به این قوانین جنبه علمی داده و در افراد، احساسی عمیق و ژرف را برمی‌انگیزد تا مسائل اجتماعی خود و تاریخ آن را با بصیرت و آگاهی دنبال کنند و با همین آگاهی آنها را بپذیرند؛ از این رو می‌فرماید: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَكُنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر: 43)؛ «سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا» (اسراء: 77). این دسته آیات و نظایر آنها، ما را به خصوصیت استمرار و کَلِیت قوانین جامعه‌شناختی قرآن واقف ساخته، به آن جنبه علمی می‌دهد.

سازگاری با فطرت آزاد و اراده انسان: قرآن کریم بر این حقیقت که مرکز و کانون حوادث و قضایایی که یکی بعد از دیگری بر این جهان می‌گذرد، اراده انسان است، تأکید و توجه دارد: «وَتِلْكَ

79 ♦ تجلی عدالت در سنت‌های الهی و اجتماعی قرآن

الْقُرَى أَهْلِكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا ﴿كهف: 59﴾؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (عد: 11). این آیات نشان می‌دهند که ظلم از روی اراده، ماندن در مسیر از سر اختیار و خواستار تغییر از درون شدن، عواملی‌اند که نقش اراده و اختیار انسان را در زمینه‌سازی جریان فلان قانون و سنت نشان می‌دهند. با ملاحظه این دسته از آیات به خوبی معلوم می‌شود که چگونه برخی از سنت‌های تاریخی فراتر از اختیار انسان نیست، بلکه همه آنها که مرتبط با انسان است، از زیر دست او می‌گذرد؛ زیرا خداوند هر گونه تغییر مطلوبی را در زندگی انسان به دست خود او سپرده و هر گاه ملتی راه راست را تعقیب کند، خداوند آنها را از زندگی سعادتمند بهره‌مند می‌سازد. توجه به این اصل، موقعیت مثبتی را فراهم می‌سازد تا انسان آزادی و انتخاب و تصمیم آزاد خود را نشان دهد. بنابر این، مسئله آزادی انسان، در ترمیمی که قرآن کریم نسبت به سنن و قوانین دارد، نقش اساسی ایفا می‌کند و میزان مسئولیت خود را در ساختن جامعه نشان می‌دهد. (صدر، 1367: 147)

داشتن منشأ الهی: در نگاه قرآن کریم، به آسانی این قوانین به خداوند نسبت داده شده است. از این رو، در موارد متعددی که در قرآن کریم از واژه سنت و سنن به کار رفته، یا به طور مستقیم منتسب به خداست (حزاب: 38 و 62؛ غافر: 85؛ فتح: 23) یا به طور غیر مستقیم. در واقع؛ در گروه اول، ناظر به سنت گزار و در گروه دوم، به محل اجرای سنن، جوامع و حکومتها اطلاق شده است. (کریمی، 1368: 20-1؛ مصباح یزدی، 1379: 426؛ صدر، 1367: 141)

با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان گفت: اول اینکه، قانون‌مندی‌های حاکم بر جوامع، ضوابط و قوانینی الهی‌اند نه جبر تاریخ و محیط؛ دوم اینکه، الهی بودن سنن و قوانین به این معنی است که مجموعه علتها و معلولها به خداوند ختم می‌شوند و اوست که تدبیر و اراده خود را به صورت این ضوابط و قواعد اعمال می‌کند؛ سوم اینکه، این قوانین همچون قوانین طبیعی، در طول اراده الهی‌اند و در قلمرو اراده او عمل می‌کنند. بنابر این، برای سنت‌های الهی ویژگی‌های ذیل را می‌توان در نظر گرفت: 1. منشأ الهی داشتن؛ 2. تکوینی بودن، به این معنا که سنتها از سنخ ایجاد و استدراج است نه اینکه اعتباری باشند؛ 3. اجتماعی بودن سنت‌های خداوند، یعنی سنتها متعلق به امور اجتماعی زندگی انسان‌اند و از امور فردی فراترند؛ 4. عمومیت داشتن سنت‌های اجتماعی خداوند و عدم استثناپذیری آنها؛ 5. منافات نداشتن با اختیار انسان، یعنی با آزادی انسان هیچ منافاتی ندارند و موجب جبر نمی‌شوند؛ 6. عدم تبدیل و تحول‌پذیری سنت‌های الهی؛ 7. این جهانی بودن سنت‌های اجتماعی خداوند، هر چند با پاداش اخروی نیز همراه‌اند؛ 8. صلاح‌اندیشی برای تأمین مصالح حقیقی انسان؛ 9. واقع‌نمایی سنتها، یعنی مطابقت با واقعیت‌های زندگی اجتماعی انسان.

بنابر این، ملاحظه ویژگی‌های کلی سنت‌های الهی، که همان قانون‌مندی‌های حاکم بر جوامع بشری‌اند و اصول زندگی سعادتمندانه را به انسان نشان می‌دهند و نتایج رفتارهای آنها را متذکر می‌شوند، نشان از

حاکمیت عدالت الهی در کلیت نظام هستی و از جمله انسان دارد. این امر وقتی بیشتر آشکار می‌شود که تک‌تک سنت‌های الهی و اجتماعی قرآن بررسی شوند. در ادامه نقش مبنایی عدالت در برخی از این سنت‌های الهی و اجتماعی بررسی خواهد شد.

1. عدالت در سنت اختیار و مسئولیت انسان

این سنت بیان می‌کند که مطابق فلسفه خلقت، انسان موجودی آزاد خلق شده است و به او قدرت عقل و اراده آزاد بخشیده شده تا بتواند با شناخت واقعیتها درباره سعاد و شقاوت خود، خودش تصمیم بگیرد. پس نتیجه طبیعی اختیار و عقل انسان، قدرت او بر انتخاب خوبی و بدی و در نتیجه، مسئولیت ناشی از آن است. در این زمینه برخی آیات قرآن تأکید می‌کنند که خداوند هیچ‌گاه سرنوشت هیچ ملتی را خارج از اراده آن ملت تغییر نمی‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: 11). همچنین آیه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (نفال: 53) می‌فرماید که نعمتها و نعمتهای ملتها مبتنی بر نحوه استفاده آنها از آزادی‌شان است و خداوند از قبل برای آنها تکلیفی تعیین نمی‌کند. آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: 41) تأکید دارد که فساد روی زمین، ناشی از عملکرد خود مردم است. پس عدالت الهی در مورد انسان، که اشرف مخلوقات است، به این تعلق گرفته که انسانها آزادانه درباره کارهای خود تصمیم بگیرند و البته نتایج ناشی از اراده آزاد آنها نیز بر عهده خود آنها نهاده می‌شود. بنابر این، سعادت و شقاوت انسان مبتنی بر آزادی اراده اوست و این در مورد همه انسانها یکسان است و خداوند خارج از اراده آزاد انسانها هیچ سرنوشتی را بر آنها تحمیل نمی‌کند. تنها نکته مهم اینجا آن است که اراده و دیگر توانایی‌های انسان، محدود است و او بر هر کاری قادر نیست.

2. عدالت در سنت برگشت بدی‌های انسان به خودش

از لوازم منطقی سنت اختیار و مسئولیت انسان، سنت برگشت بدی‌های انسان به خود اوست که سنتی کاملاً عادلانه است. این سنت مبتنی بر این آموزه است که از آنجا که خدا خالق مهربان جهان و انسان است و وسایل هدایت همه انسانها را فراهم ساخته، پس بدی‌ها و خطاهای انسان از خدا نیست، بلکه از خود انسان و ناشی از سوء استفاده او از اختیار و اراده آزاد خودش است. در این زمینه برخی از آیات قرآن نکات آموزنده‌ای دارند؛ آیه «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ» (سجده: 79) تأکید دارد

81 **تجلی عدالت در سنت‌های الهی و اجتماعی قرآن**

که خوبی‌های انسانها از خدا و بدی‌های آنان از خودشان است؛ زیرا بدی و شر از ساحت الهی خدا دور است. آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بُعِثْتُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ» (یونس: 23) به مردم تأکید می‌کند که هر ستمی مرتکب شوند، در واقع ستم و جفای به نفس خودشان است و خودشان را به بدبختی نزدیک می‌کنند. همچنین آیه «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (بقره: 134) اشاره می‌کند که کار نیک و بد امتها برای خودشان است و همین عملکرد مایه سعادت یا گمراهی آنهاست. نتیجه اینکه، چون آنچه انسانها در این دنیا انجام می‌دهند مبتنی بر آزادی و خواست خود آنهاست، نتیجه خوب و بد آن هم به خود آنها برمی‌گردد و این مبین عادلانه بودن نظام قوانین الهی در مورد انسانهاست.

3. عدالت در سنت مهلت دادن به گناهکاران

این سنت بیان می‌کند که انسانهای گناهکار بلافاصله در دنیا عذاب نمی‌شوند، بلکه خداوند به آنها مهلت می‌دهد تا آزموده شوند و حجت الهی بر آنها تمام شود؛ زیرا ممکن است توبه کنند یا بر انجام گناه اصرار داشته باشند، که امکان ادامه دادن گناه را دارند. پس مطابق این سنت و عدالت الهی، هر انسانی و حتی جامعه‌ای مهلت عذاب مشخصی دارد و تا زمان آن نرسد، خدا به عذاب آنها اقدام نمی‌کند؛ یعنی جوامع بشری موقعی به هلاکت می‌رسند که ظلم را از حد بگذرانند. دو آیه «وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْنٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ» (حجر: 4) و «وَتِلْكَ الْأَمْمَاتُ الْأُمَمُ الْأَمْمَاتُ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا» (کهف: 59)، بر اینکه برای هلاکت کردن ملت‌های ظالم زمان معینی تعیین شده، تأکید دارند. همچنین آیه «وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْنٍ أَهْلَكْنَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ لَمَّا أَخَذَتْهَا إِلَى الْمَصِيرِ» (حج: 48) وعده می‌دهد که مردم شهرهایی که ظلم و ستم می‌کنند، تا زمان مشخصی خدا به آنها مهلت داده و پس از اتمام آن، هلاکت در انتظار آنهاست.

4. عدالت در سنت پیوستگی میان پیروی و پیروزی، و سرکشی و شکست

این سنت بیان می‌کند که پیروی از خدا و رسول خدا(ص)، ملازم با پیروزی و عصیان در مقابل آنها، نتیجه‌ای جز شکست و اضمحلال نخواهد داشت. قرآن نمونه‌های فراوانی از اطاعت موقتی ملت‌های گذشته، همچون بنی‌اسرائیل را از پیامبران نشان می‌دهد که منجر به نجات و پیروزی آنها شد و نمونه‌های فراوانی از عصیان و سرپیچی اقوامی همچون: بنی‌اسرائیل و ثمود و لوط را ذکر می‌کند که نتیجه‌ای جز شکست و نابودی نداشت و اینکه عاقبت، زمین از آن فرمانبرداران خداوند متعال است. قرآن در آیه «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (انفال: 1)، میان ایمان به خدا و اطاعت از او و رسول، پیوند ذاتی برقرار می‌کند. در آیه

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: 46)، بیان می‌کند که اطاعت از دستورات خدا و رسول اکرم (ص) و خودداری از منازعات، منجر به پیروزی می‌شود و در آیه «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: 3)، بیان شده است که خداوند اراده کرده که ما با اطاعت از او و پیامبرش هدایت شویم؛ اگرچه این در اختیار ماست که راه اطاعت و رستگاری را انتخاب کنیم یا عصیان و کفر را. در آیه «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ» (نحل: 36)، قرآن نشان می‌دهد که بین ارسال انبیا و اطاعت از دستورات آنان برای رسیدن به هدایت الهی، ملازمه منطقی وجود دارد و کسانی از ملت‌های گذشته که از اطاعت الهی سرپیچی کردند، دچار شکست و نابودی شدند. لذا از انسانها دعوت می‌شود عاقبت ملت‌های گذشته را مطالعه کنند و از آن عبرت بگیرند. در واقع؛ این سنت بیان می‌کند که عدالت الهی حاکم بر زندگی انسان اقتضا دارد که پیروزی‌ها نتیجه پیروی از دستورات الهی و شکست‌ها نتیجه سرپیچی از فرامین الهی باشد و چون در سنت خدا، تغییر و تبدیل و استثنایی وجود ندارد، این اصل در زندگی همه انسانها در همه زمانها جریان دارد. پس خدای عادل و حکیم با معرفی این سنتها، از ما خواسته است که با پیروی از او پیروز همیشگی باشیم و این عین عدالت‌ورزی خدا در حق بندگانش است.

5. عدالت در سنت رابطه میان ظلم و هلاکت

قرآن به واسطه منشأ الهی خود، در آیات متعددی رابطه بین ظلم و بی‌عدالتی را با نابودی جوامع بیان می‌کند و هیچ استثنایی نیز برای آن لحاظ نمی‌کند؛ یعنی از آنجا که ظلم، خلاف حکمت الهی خداوند است و عقول انسانها، عدالت را شایسته کل هستی می‌دانند، هر گونه ظلم و رفتار ظالمانه، محکوم به مرگ و نابودی است. از این رو در قرآن به آیات متعددی برمی‌خوریم که ظلم را در هر معنا و شکل آن، چه از سوی خدا، چه انسانها و چه در سطح فردی و اجتماعی، رد می‌کنند و ضمن تأکید فراوان بر محوریت عدل در نظام الهی و زندگی اجتماعی، برای هر گونه اندیشه و رفتار ظالمانه، عاقبت سختی را در نظر می‌گیرند. برای مثال در آیه «وَاللَّهُ لَإِيْهِدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (آل عمران: 86)، بر اینکه هدایت الهی شامل انسانهای ظالم نمی‌شود، اشاره شده است. در آیه «فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنْهَلِكَنَّ الظَّالِمِينَ» (ابراهم: 13)، اشاره می‌شود که هلاکت و نابودی نتیجه اعمال ظالمان و رفتار ظالمانه آنهاست. قرآن در آیه «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ» (هود: 117)، تأکید دارد مردمی که به عدالت و صلح رفتار می‌کنند، هیچ‌گاه نظام زندگی اجتماعی آنها از سوی خدا با رفتار ظالمانه نابود نمی‌شود. در آیه «وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ» (قصص: 59)، تأکید می‌شود که

83 **تجلی عدالت در سنت‌های الهی و اجتماعی قرآن**

به منظور جلوگیری از رفتار ظالمانه، خداوند ابتدا پیامبرانی را برای هدایت انسانها به جوامع آنها می‌فرستد و اگر هدایت الهی را نپذیرفتند، نابودی در انتظار آنهاست. در آیه «وَأَنْتُمْ يَسِيرُونَ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (روم: 9)، بیان می‌شود که نابودی امت‌های گذشته نتیجه رفتار ظالمانه آنها نسبت به خودشان بوده است، نه اینکه خداوند قصد نابودی آنها را داشته باشد. نتیجه حاصل از آیات بیان‌شده، تأکید بر پیوند منطقی هلاکت و ظلم است؛ یعنی هر جامعه‌ای که مبنای اصلی رفتار آن ظلم باشد، در نهایت مطابق این سنت الهی هلاک خواهد شد و در مقابل، بقا و پیروزی نتیجه اصلاح‌گری است. بنابر این، عدالت‌ورزی مبین این سنت الهی است.

6. عدالت در سنت پیوند میان فساد اخلاقی با تکذیب حقایق و فروپاشی جوامع

این سنت به اهمیت اخلاق و رفتار اخلاقی ملتها در اعتلا و نابودی آنها اشاره دارد. بر اساس این سنت الهی است که رشد فضایل اخلاقی، منجر به سعادت جوامع و گسترش رذایل و فساد اخلاقی، منجر به نابودی آنها می‌شود. به بیان دیگر؛ گسترش رذایل اخلاقی، روح انسان را تیره و تار ساخته، امکان پذیرش حقایق را از بین برده و در نتیجه منجر به هلاکت انسانها و جوامع می‌شود. در این خصوص نیز آیات متعددی در قرآن وجود دارد؛ در آیه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (هود: 18)، اشاره می‌کند که دروغ از بزرگ‌ترین رذایل اخلاقی است که برخی انسانها از آن استفاده می‌کنند و نتیجه آن قرار گرفتن در ردیف ظالمین و دریافت لعنت خداوندی است. در آیه «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (عد: 25)، خداوند تأکید دارد که نقض عهد از بزرگ‌ترین رذایل اخلاقی و معاصی است که نتیجه آن، نابودی و آتش دردناک جهنم است. در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَكَأَنَّ تَجَسُّسًا وَكَأَنَّ بَعْضَ بَعْضِكُمْ بَعْضًا أَيْحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات: 12)، خداوند به رذایل اخلاقی دارای جنبه‌های اجتماعی مهم اشاره می‌فرماید؛ یعنی گمان‌بد، جاسوسی و غیبت، که هر سه از مهم‌ترین فسادهای اخلاقی در زندگی اجتماعی‌اند و منجر به نابودی حسنات و ایمان انسان می‌شوند. غیبت را همانند خوردن گوشت برادر مرده توصیف می‌کند که زشتی آن بر هر انسانی آشکار است.

در واقع؛ آیات ذکر شده، اهمیت اخلاق بشری را در سعادت و شقاوت او در زندگی اجتماعی نشان می‌دهند؛ به خصوص تأکید دارند که چگونه گسترش رذایل اخلاقی باعث گسترش تدریجی فساد در ابعاد گوناگون و نابودی جوامع می‌شود. لذا می‌توان در مطالعات اجتماعی به منظور یافتن علل انحطاط جوامع، به وضعیت اخلاق و صفات اخلاقی مردمان آنها توجه داشت.

7. عدالت در سنت رابطه گسترش منازعات اجتماعی و نابودی اقتدار اجتماعی

این سنت بیان می‌کند که اختلافات و منازعات اجتماعی به نابودی جوامع منجر می‌شود. جوامع گرفتار اختلاف بینشها و ارزشها و اهداف، در مرحله عمل به ستیزه و تنازع روی می‌آورند و دچار کشمکش اجتماعی می‌شوند. اعضای چنین جامعه‌ای نسبت به وظایفی که جامعه به دوش آنها گذارده و نقشی که از ایشان انتظار دارد، سست می‌شوند و نیروهای اجتماعی به‌جای آنکه صرف‌رشد و توسعه جامعه و پاسداری از ارزشهای آن در برابر تهاجمات خارجی شود، در مسیر واداشتن گروههای رقیب به پذیرش مدعیات گروه خود و درگیری و ستیزه با گروههای دیگر، ضربه‌زدن به آنها و از صحنه خارج ساختن رقا صرف می‌شود (رجی، 1390: 117-111). در این زمینه نیز سنتهای اجتماعی مهمی از قرآن قابل استفاده است. برای نمونه، در آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: 103)، اصل وحدت اجتماعی و دوری از اختلافات فرعی برای تأمین سعادت حقیقی در زندگی اجتماعی تأکید شده است. در آیه «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال: 46)، از دو پیامد و اثر نامطلوب ستیزه‌جویی و کشمکش اجتماعی یاد شده است؛ نخست، اثر روانی آن که سستی، بی‌رغبتی، نداشتن احساس مسئولیت در برابر اجرای وظایف اجتماعی و ایفای نقشهای اجتماعی است و دوم، پیامد اجتماعی آن که از بین رفتن اقتدار جامعه است؛ زیرا از بین رفتن وفاق اجتماعی مایه بی‌اعتباری ارزشهای مشترک می‌شود و کنترل‌های اجتماعی قوت خود را از دست می‌دهد. در چنین شرایطی، ساخت جامعه در هم فرو می‌ریزد، حیات اجتماعی از هم می‌پاشد و جامعه دچار بی‌سازمانی می‌شود. یکپارچگی و انتظام جامعه از بین می‌رود و جامعه از حالت اعتدال خارج و بحران‌زده می‌شود و بحران اجتماعی زمینه زوال جامعه از درون یا اضمحلال آن به دست نیروهای بیرونی را به همراه خواهد داشت. در آیه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: 105)، خداوند ضمن نهی از ایجاد تفرقه و دامن زدن به اختلاف سلیقه‌های شخصی، نتیجه ناگوار نابودی و عذاب عظیم را برای آن در نظر می‌گیرد. (رک: جوادی آملی، 1389: 227-226)

8. عدالت در سنت امتحان، مجازات، ابتلا و استدراج در زندگی اجتماعی

از سنت‌های مهم خداوند برای زندگی اجتماعی انسان، رابطه نتیجه اعمال در این دنیا با دنیای دیگر در قالب مجازات، ابتلا، امتحان و استدراج است؛ که همگی مطابق با حکمت و عدالت الهی است. سنت مجازات بیانگر اصل خذلان و نابودی کافران و اهل ظلم و فساد و به بیانی دیگر؛ اضمحلال تمامی کسانی است که به نحوی از انحا با جبهه حق مقابله کرده، سدی در راه پیشرفت اهداف الهی به وجود آورده‌اند. عمل این افراد ممکن است به صورت تکذیب انبیا، ظلم به مردم، ظلم به خود، اصرار در کفر، فساد عمومی، روابط اجتماعی مبتنی بر بی‌انصافی، طغیان در معیشت، تکذیب قیامت و ثواب و عقاب آخرت، طغیان بر خداوند، فراموشی موعظه‌های الهی یا جلوه‌های دیگر ظلم و کفر و شرک بوده باشد (حامد مقدم، 1387: 40-36). اما مجازات و کیفر همه کافران و ظالمان به یک صورت نیست، بلکه به برخی فرصت داده می‌شود تا بیشتر گناه کنند، برخی به امتحانات خاصی مبتلا می‌شوند و برخی دچار نعمتها یا عذابهای تدریجی می‌شوند. در قرآن آیات متعددی در این خصوص وجود دارد که برخی از آنها جنبه کلی داشته و سنت الهی هلاکت جوامع ظالم و کافر را بیان می‌دارند؛ از جمله: «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَوْمٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ» (انبیاء: 11). برخی به سنت استدراج اشاره دارند؛ مانند «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» (اعراف: 182). در این آیه، یک سنت دیگر خداوندی بیان شده و آن، سنت استدراج است. منظور از استدراج این است که خداوند برای کافران نعمتها را پشت سر هم تجدید می‌کند تا با التذاذ از این نعمتها، از ذکر یاد پروردگار غافل شوند و خداوند، آنان را امتحان کند. غفلت آنان از یاد خدا موجب می‌شود که اطمینان و آرامش دل‌هایشان را از دست بدهند و بیش از پیش به اضطراب درونی دچار شده، سرانجام به عذاب سخت ملحق شوند. از سوی دیگر، آیاتی وجود دارند که بیانگر هلاکت اقوام و جوامعی‌اند که پیامبران الهی را تکذیب کرده‌اند و با ایشان به مقابله پرداخته‌اند؛ از جمله: «وَكَايْنٍ مِّنْ قَوْمٍ عَتَىٰ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكَرًا» (طلاق: 8).

9. عدالت در سنت پیروزی حق بر باطل

از مهم‌ترین سنت‌های عدالت‌محور الهی، سنت پیروزی نهایی و حقیقی حق بر باطل است. اهمیت این سنت زمانی آشکار می‌شود که حقیقت زندگی انسان را تنها به حیات مادی محدود نکنیم، بلکه حیات اخروی را تداوم زندگی این جهانی بدانیم. در عین حال، در برخی آیات قرآن، پیروزی حق بر باطل، هم شامل این جهان و هم جهان دیگر معرفی شده است. این سنت همچنین این امید را به انسان می‌دهد که از برخی شکست‌ها و ناکامی‌ها و

مصائب ناامید نشود، بلکه تلاش خود را همواره برای غلبه بر آنها مصروف کند؛ چه پیروزی او بر این مشکلات در این جهان حاصل شود و چه در جهان دیگر. در نهایت، اگر او در راه الهی طی طریق کرده باشد، پیروز است.

در این زمینه، محتوای برخی آیات قرآن، راهنما و روشنگر نگرش ما به سنت عدالت‌محور خداست؛ برای نمونه در آیه «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ مَا يُبَدِّئُ الْبَاطِلُ وَ مَا يُعِيدُهُ» (سبأ: 49)، به پیامبر (ص) خطاب می‌شود که اعلام کند با ظهور حق، چه در دنیا و آخرت، جایی برای باطل وجود نخواهد داشت. همچنین آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (سرا: 81) تأکید دارد که باطل اساساً نابود شدنی است؛ زیرا در نظام حکیمانه هستی، جایی برای باطل وجود ندارد. علاوه بر اینها، آیه «إِنَّ الْبَاطِلَ يُدْمِئُ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ» (انبیاء: 18) نیز دلالت دارد که خواست خدا بر غلبه همیشگی حق بر باطل است و هیچ‌گاه خدا اراده نکرده که باطلها و طاغوتها بر حق غلبه کنند، مگر اینکه سست‌همتی و جهالت انسانهای به ظاهر مؤمن، موجب نتیجه‌ای موقتی و ناگوار شود.

نکته مهمی که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود، این است که اگر سنت خدا بر غلبه حقیقی حق بر باطل است، چرا در جهان شاهد غلبه‌های مکرر کفر و طاغوت بر انسانهای حقجو و مستضعف هستیم؟ در پاسخ به این سؤال باید به این نکته توجه داشت که مطابق سنتهای الهی، این جهان، دنیای آزمون و مکافات و سختی‌هاست تا خوبها و شایسته‌ها از بدها و ناشایسته‌ها از هم تفکیک شوند. بر این اساس است که در آیه «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل عمران: 140)، بر این حقیقت تأکید می‌شود که دچار شدن انسانها به آزمونها و ابتلاها و مصائب، از سنتهای عدالت‌محور الهی است که در این سنتها، نه تنها مؤمنان و سعادتمندان از کفار و شقاوت‌مندان بازشناخته می‌شوند، بلکه زمینه ظهور چهره حقیقی باطل در مقابل حق نیز فراهم می‌شود. بنابر این، درگیری و مبارزه حق جریانی مداوم و پیوسته در این جهان است که در فرایند آن، هم انسانهای خوب و بد آزمون می‌شوند و هم چهره حق و باطل از هم بازشناخته می‌شود (طباطبایی، 1372، ج 28: 90-91). لذا سنت پیروزی نهایی حق بر باطل، مطابق عدالت الهی، در درون خود دارای برخی سنتهای دیگر است که آنها نیز عادلانه‌اند. از مهم‌ترین این سنتها می‌توان به سنت رودررویی حق و باطل و سنت وراثت زمین توسط مؤمنان و بندگان صالح خدا اشاره کرد. سنت دوم، بیانگر این واقعیت است که لازمه دنیوی پیروزی حق بر باطل، تشکیل حکومت عدل الهی توسط بندگان خدا، ظهور همه ابعاد عدالت‌محوری خدا و تحقق مدینه فاضله الهی روی کره زمین است. به این حقیقت، در قالب یک سنت مسلم الهی، در چند آیه مهم قرآن تأکید شده است؛ از جمله: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: 105)، «وَأَنَّ الْأَرْضَ لَأَرْثُهَا قَوْمٌ مِنْكُمْ» (نور: 55)، «وَعَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَّلَهُمْ أَيْمَنَهُ وَنَجَّعَهُمُ الْوَارِثِينَ» (نصر: 5)، «وَعَلَى الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور: 55). اهمیت آیات

تجلی عدالت در سنت‌های الهی و اجتماعی قرآن ♦ 87

ذکر شده آن است که نشان می‌دهند عدالت نامنتهای الهی مستلزم آن است که پیروزی حق بر باطل، هم در این دنیا و هم تداوم آن در دنیای دیگر باشد؛ اما از آنجا که لازمه ظهور پیروزی حق بر باطل در این دنیا، درگیری و مبارزه طرفداران حق و باطل است که مبتنی بر آفرینش مختار انسان است، پس دنیای مادی، مطابق عدل الهی، صحنه مبارزه حق‌طلبان و باطل‌گرایان است که در آن اگرچه ممکن است باطل‌گرایان در مقاطعی خاص و موقتی پیروز شوند، اما پیروزی نهایی، هم در این دنیا و هم جهان دیگر، از آن حق‌طلبان است. همچنین وعده الهی بر تشکیل حکومت عدل الهی روی زمین، نشان‌دهنده آن است که عدالت الهی در نهایت در همین دنیا نیز با تشکیل حکومت عادلانه بندگان صالح خدا محقق می‌شود و بساط کفر برچیدنی است. پس نتیجه حاصل از این آموزه، دل بستن به سنت عدالت‌محور پیروزی نهایی حق بر باطل و دلخوش نشدن به پیروزی‌های موقت و گذرای طاغوت‌های زمان است.

10. عدالت در سنت برگشت اثر هدایت و ضلالت به خود انسان

از سنت‌های مهم عدالت‌گرایانه الهی، سنت و قانون برگشت اثر و نتیجه هدایت و ضلالت انسان به خودش است. گفتنی است که این سنت از لوازم سنت اختیار و آزادی انسان است؛ یعنی اگر بپذیریم مطابق عدالت الهی، انسانها موجوداتی آزاد و عاقل و آگاه آفریده شده‌اند که انتخاب و فعلیت‌بخشی به سعادت و شقاوتشان بر عهده خودشان نهاده شده، پس نتیجه طبیعی چنین سنتی آن است که پیامد خوش و ناخوش عملکرد انسانها بر عهده خود آنها باشد و خود آنها بایستی مسئولیت عواقب اعمال ناشایست و نتایج شایسته اعمال مطلوب را بر عهده بگیرند. ضمن اینکه خداوند، با ارسال پیامبران و معرفی آموزه‌های وحیانی، که راه سعادت را از شقاوت باز می‌شناسند و هشدارهای اساسی درباره انتخاب راه گمراهی و شقاوت می‌دهند، عدالت‌محور بودن همه سنت‌های خود را بیشتر متجلی می‌سازد. بنابر این، سنت برگشت اثر هدایت یا ضلالت، یا خوبی‌ها و بدی‌های انسان به خودش، سنتی کاملاً مبتنی بر حکمت و عدالت الهی و مطابق با اصل اختیار و آگاهی و عقلانیت بشری است.

در این زمینه، آیات مهمی در قرآن وجود دارند که ابعاد و چگونگی انعکاس عادلانه نتیجه عملکرد انسانها را به خودشان بازگو می‌کنند؛ از جمله: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ» (نساء: 79)؛ «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعْتَبِرًا نِعْمَةَ أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُعْتَبِرُوا مَا بَأْنَفْسِهِمْ» (نفال: 53)، «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بُعِثْتُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ» (يونس: 23)؛ «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (بقره: 134 و نیز ر.ك: اسراء: 15؛ نمل: 92؛ محمد: 32). (طباطبایی، 1372، ج 2: 160-157)

توجه به محتوای همه آیات ذکر شده، به ما گوشزد می‌کند که نمی‌توانیم نتیجه اعمال ناگوار، خطاها و کج‌اندیشی‌های خود را بر عهده دیگران بنهیم و از بار مسئولیت آن‌ها شانه خالی کنیم؛ زیرا انسانها، مطابق حکمت و عدالت الهی، آزاد و مختار آفریده شده‌اند تا با آزادی و اختیار و آگاهی، تصمیم گرفته و عمل کنند. پس نتیجه طبیعی این است که هر چه از اعمال ما متجلی می‌شود، برای ماست نه برای دیگران. بنابر این، آنان که راه ضلالت و گمراهی را انتخاب کرده، به نظارها و هشدارهای انبیای الهی گوش نمی‌سپارند و همواره در زمین فساد می‌کنند و از عاقبت آن‌ها هم نمی‌ترسند، یقیناً تنها خودشان مسئول عواقب ناگوار عملکرد خود می‌باشند. نکته جالب توجه این است که خداوند در آیه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام: 164)، متذکر شده و هشدار می‌دهد که در روز قیامت هر کس بار گناه خود را بر دوش می‌کشد؛ یعنی امکان اینکه انسانها بتوانند بار گناه و عصیان خود را بر دوش دیگری قرار دهند، به طور کلی منتفی است و این دقیقاً مطابق سنت عدالت‌محور مسئولیت هر کس در مقابل کردار و اعمال و رفتار اوست. (رک: مکارم شیرازی، بی‌تا، ج 6: 65)

نتیجه نظری و عملی که از توجه به حقیقت این سنت الهی به دست می‌آید آن است که اصول ثابت عادلانه الهی بر جهان حاکم است و هیچ عملی، حتی زره‌ای کار نیک و بد، از دیده بینهی الهی پنهان نیست. پس عالم، محضر الهی است و انسانها همواره در محضر الهی حاضرند و جای انجام هیچ عمل پنهانی و دور از چشم الهی نیست و هیچ راهی نیست تا مسئولیت خطای مرتکب شده را بر عهده دیگران نهاد. حال اگر جهان اینگونه دقیق و عادلانه اداره می‌شود که برای هیچ کس امکان تخلفی از آن نیست، چرا تلاش کنیم تا خود یا دیگران یا خدا را بفریسیم؟ اگرچه امکان دارد به طور موقت موفق به فریب خود یا دیگران شویم، اما هیچ راهی برای فریب خدا وجود ندارد. پس، راستی و راست‌کرداری و مسئولیت‌پذیری، عادلانه‌ترین و عادلانه‌ترین راه زندگی و کسب سعادت است.

11. عدالت در سنت زیاد شدن هدایت مؤمنان و گمراهی گمراهان

هدایت تکوینی و تشریحی نیز از مهم‌ترین سنتهای عدالت‌محور خداست. مطابق این سنت، خداوند زمینه‌های کافی هدایت همه موجودات را به طور تکوینی و هدایت انسان را در دو بُعد تکوینی و تشریحی فراهم ساخته است؛ زیرا هر دو گروه هدایت‌های مزبور، لازمه زندگی موفق دنیوی و سعادت اخروی انسان است. در خصوص انسان، از این سنت، به سنت هدایت و اضلال الهی نیز تعبیر می‌شود. یکی از فروع این سنت، زیاد شدن هدایت مؤمنان و افزایش گمراهی گمراهان است؛ به این معنی که چون خداوند وسایل و آموزه‌های لازم برای هدایت همه انسانها را معرفی کرده و آنها آزادند تا هرگونه خود خواستند راه هدایت

89 ◆ تجلی عدالت در سنت‌های الهی و اجتماعی قرآن

یا ضلالت را انتخاب کنند، خداوند نیز برای هدایت‌شوندگان امکان هدایت بیشتر و برای ادامه‌دهندگان به راه گمراهی، امکان گمراهی بیشتر را فراهم می‌سازد؛ زیرا خود آنها این راه را انتخاب کرده و به نظر آنها و هشدارهای الهی از زبان انبیا توجه نکرده‌اند. در واقع؛ عادلانه بودن این سنت از آن جهت است که خداوند ابتدا از طریق ارسال رسولان الهی و معرفی آموزه‌های وحیانی و موهبت عقل، زمینه هدایت همه بندگان را فراهم ساخته است؛ اما اگر کسانی با وجود زمینه‌های هدایت‌گرانه، باز بر گمراهی خود اصرار ورزند، مطابق دو سنت املا و استدراج، خداوند زمینه‌های گمراهی بیشتر آنان را فراهم می‌سازد؛ زیرا حجت بر آنان تمام شده است. در این زمینه، برخی از آیات قرآن راهنمای خوبی‌اند؛ از جمله: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآثَاهُمْ تَقْوَاهُمْ» (محمد: 17)؛ «وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا» (مریم: 76)؛ «مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» (اعراف: 186)؛ «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ» (ابراهيم: 27). علت این گونه تأکید بر هدایت مؤمنان و اضلال گمراهان آن است که هدف خداوند از خلقت، هدایت و سعادت بندگان است. پس رفتن به راه گمراهی و شقاوت، مخالف اراده حق تعالی است و چون چنین مخالفتی، خواسته آزاده خود انسان گمراه است و خوشایند خداوند نیست، اراده الهی هم بر افزایش گناه و گمراهی چنین انسانهایی تعلق گرفته است؛ البته پس از آنکه آنان از طریق نظارها و هشدارهای الهی از غفلت بیدار نشدند. پس، چون گمراهی آنان مطابق آزادی و خواسته خودشان و مخالف اراده الهی و هدایت مؤمنان نیز مطابق اختیار خود و در راستای اراده الهی است، افزایش هدایت مؤمنان و ضلالت گمراهان نیز عادلانه است؛ زیرا آنان کفران نعمت هدایت الهی نموده و در حق خدا ظلم کرده‌اند که حق تعالی فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (انعام: 144). (رک: جوادی آملی، 1389: 253-251)

نتیجه عملی و نظری که از این سنت به دست می‌آید آن است که پذیرش یا رد آموزه‌های هدایت‌گرانه الهی، دارای نتایج مخصوص به خود است. چون ما قدرت اختیار و انتخاب آگاهانه و عاقلانه را داریم، پس در مقابل نتایج انتخاب‌هایمان نیز مسئولیم و بایستی هزینه‌های آن را بپردازیم. این آموزه، همچنین به ما گوشزد می‌کند که شرایط مالی و قدرت و شکوه ظاهری ظالمان، که موقتی است، نبایستی باعث دلسردی از رحمت الهی شود، بلکه این امکانات مادی، در واقع ابزارهای آزمون بیشتر، ابتلا و افزایش گناهان گمراهان است که مطابق سنت‌های الهی برای آنان مقدر شده است.

(د) بحث و نتیجه گیری

جهان هستی و نظام کائنات، همچون منشوری با اضلاع مختلف است. در این نظام منشورگونه، سه جهت بنیادین را درمی‌یابیم که عبارتند از: خدا، جهان و انسان. خدا، آفرینندهٔ انسان و جهان؛ و انسان، به حکم خدا، تنها موجودی است که با داشتن موهبت عقل و اختیار و اراده در جهان برای رسیدن به کمالی که خداوند برای او مقرر کرده است، زندگی می‌کند. بنابر این، انسان موجودی از سوی خداست که مطابق خواست الهی در زمین برای رسیدن به کمالات معنوی و تحقق حکومت الهی زیست می‌کند. اما این انسان از محدودیت‌های مهم معرفتی، وجودی و اخلاقی رنج می‌برد و گویی بدون مدد خالق مهربان، قادر به کشف اسرار هستی و راز جاودانگی سعادت‌مند نیست. در اینجاست که سنت‌های الهی عدالت‌محور در بیشتر ابعاد مادی و غیر مادی زندگی انسان مددکار او می‌شوند و او را در شناخت قانون‌مندی‌های حاکم بر زندگی‌اش یاری می‌رسانند. در واقع؛ سنت‌های الهی قوانین ثابت و لایتغیری‌اند که به انسان در شناخت قانون‌مندی‌های اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و... حاکم بر زندگی او آگاهی می‌دهند. در ضمن، چون همهٔ این سنت‌ها از سوی خداوند حکیم و عادل برای انسان در نظر گرفته شده‌اند، پس عدالت‌محوری مهم‌ترین ویژگی همه سنت‌های الهی است. بنابر این، آنچه از شرور و خیرات و خوشی‌ها و ناخوشی‌هایی که در شرایط مختلف زندگی مواجه می‌شویم، ناشی از عدالت الهی و سنت‌های به حق خداوند است. نتیجه اینکه، در دنیایی که همهٔ ابعاد و زوایای آن از نگاه حکیمانهٔ الهی و تأثیر عادلانهٔ حق تعالی پوشیده و پنهان نیست، چه جای غم و شکوه از برخی سختی‌ها و نیشهایی است که روزگار بر ما وارد می‌سازد! چه بسا برخی از آنها نتیجهٔ اشتباهات خودمان است که موجب تصفیهٔ گناهان و بیداری‌مان می‌شود و برخی دیگر برای تعالی معنوی و پیمودن راه سعادت است که تحمل آن سختی‌ها لازمهٔ رسیدن به کمال است. پس آنچه می‌بینیم و ادراک می‌کنیم، همه از تشعشعات عدالت الهی و زیباتر از آنچه به نظر ظاهرین برسد، است. در نهایت اینکه، معرفی این سنت‌ها در ارتباط با انسان، اهمیت برجستهٔ عدالت تشریحی را نسبت به عدالت تکوینی نشان می‌دهد؛ یعنی خداوند مطابق عدالت تشریحی خود، هم انسان را آزاد آفریده، هم به او قدرت عقل و چراغ علم و آگاهی داده، هم امکان انتخاب خیر و شر را به او داده و هم راه اجتناب از گمراهی و نیل به سعادت حقیقی را به وی معرفی کرده است. پس، عدالت تشریحی خدا کاملاً زمینهٔ هرگونه هدایت آزادانهٔ انسان به سعادت و دوری از خطا را به او نشان می‌دهد که این مهم، مبین مبناي کاملاً عادلانهٔ الهی، هم در اصل خلقت بشر و هم هدایت او در کلیت زندگی‌اش است.



منابع

- قرآن کریم.
- جوادی آملی، عبدالله (1389). تفسیر موضوعی قرآن؛ ج 17. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (1391). توحید در قرآن؛ جلد دوم از تفسیر موضوعی قرآن. قم: اسراء.
- حامدمقدم، احمد (1387). سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم. مشهد: آستان قدس رضوی.
- رجبی، محمود (1390). «تبیین جامعه‌شناختی برخی از سنت‌های اجتماعی قرآن». شناخت قرآن، سال چهارم، ش 1 (پیاپی 7): 105-126.
- سبحانی، جعفر (1376). منشور عقاید امامیه. قم: توحید.
- صدر، محمدباقر (1367). سنت‌های تاریخ در قرآن. ترجمه سید جمال موسوی اصفهانی. قم: اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (1372). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کرمی فریدنی، علی (1368). ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن. قم، مرتضی، چ دوم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (1379). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران، بین‌الملل، چ دوم.
- مطهری، مرتضی (1372). عدل الهی. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی‌تا). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- **The Holy Qur'an.**
- Javadi Amoli, Abdullah (2010), Interpretation of the Quran Based on Subject, Vol. 17, Qom, Isra Press.
- Tabatabaee, Seyyed Muhammad Hossein (1993), Almizan (Interpretaion of the Quran), Trans by Muhammad Baqer Mousavi, Qom, Qom Seminary Teachers.
- Makarem Shirazi, Naser (----), Nemouneh Interpretation, Qom, Darul kotob Alislamiyah Press.
- Hamed Moqaddam, Ahmad (2008). **Social Traditions in the Quran.** Mashhad: Astan Qods Razavi Press.
- Javadi Amoli, Abdollah (2012). **Towhid in the Quran**, Vol.2. Qom: Asra Press.
- Karami Freidani, Ali (1989). **Development & Falling of Civilizations from the Quran's Point of View.** Qom: Morteza Press, Second Publication.
- Mesbah Yazdi, M.T. (2000). **Society and History in the Quran.** Tehran: Beynulumelal Press, Second Publication.
- Motahhari, Morteza (1993). **Collections of Works**, (Majmou'eh Asar) Tehran: Sadra Press, Vol. 2&3, Eight Publication.
- Rajabi, Mahmud (2011). "Sociological Explanation of some Social Traditions of the Quran". *Journal of Quran Shenakht*, No. 7: 105-126.

- Sadr, Muhammad Baqer (1988). **Traditions of History in the Quran**. Trans to Persian: Seyed Jamal Musavi Esfahani. Qom: Islamic Press.
- Sobhani, Ja'far (1997). **The Prism of Shia Beliefs**. Qom: Imam Sadeq Institute.

